

پی آمد اعمال در زندگانی با الهام از قرآن

امیر جودوی

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

چکیده:

از آنجا که تحقق «علوم قرآن» مستلزم کشف و مرتبط ساختن قوانین قرآن با یکدیگر است، هدف اصلی این مقاله، تبیین رابطه ثابت بین عمل و عکس العمل در زندگانی به عنوان یکی از مهمترین این قوانین است. ثمره این تبیین، بهبودی انگیزه‌ها و اعمال در زندگانی فردی و اجتماعی است. روش وصول به این هدف در مرحله اول تأمین مقدمات ذیل است: الف - استقصای اعمال در قرآن، ب - توضیح روابط ثابت بین اعمال و پی آمد آنها، و در مرحله دوم برای عرضه بهینه مقدمه دوم به عنوان هسته بنیادین بحث بر استفاده از پی آمدهای فردی و اجتماعی اعمال و نیز سازماندهی آیات بدین صورت تکیه شده است: الف - آیاتی که صریح و روشن به ذکر عمل و پی آمد آن پرداخته‌اند، ب - آیاتی که به صورت استقرایی و موضوعی بیانگر این رابطه می‌باشند.

کلید واژه‌ها: عمل، پی آمد، قانون، قرآن، انگیزه، فرد، اجتماع.

مقدمه

هدف نهایی اندیشمندان در هر علمی معطوف به یافتن قوانین است. زیرا تنها با تکیه بر این قوانین می‌توان موضوعات آن علم را به یکدیگر مربوط ساخت. ذهن بشری قوانینی را بیشتر می‌پسندد که رابطه علیت را بیان می‌کند یعنی میان یک واقعه مقدم (علت) و واقعه تالی (معلول) رابطه ثابتی برقرار کند. به همین دلیل در هر زمینه‌ای محققان در جستجوی یافتن چنین قوانینی هستند. این حکم کلی در مورد مجموعه‌ای به

نام «علوم قرآن» نیز صادق است. قرآن پژوهان نیز چون سایر همتایان در جستجوی این قوانین می‌باشند. اما به راستی این قوانین و به ویژه مهمترین آنها چیست؟

۱- قانون عمل و عکس العمل

۱-۱- بررسی عناصر تشکیل دهنده این قانون به صورت مجزا

الف) عمل (act, action, work) همان کار، کردار، صنَع (راغب، ۲۸۶)، فعل، تأثیر تدریجی چیزی در چیز دیگر (خوانساری، ۱۳۸)، تأثیر متقابل در چیزی (شعبانی، ۱۳؛ ترابی، ۵۵)، تجربه (همان، ۶۱)، رفتار بالفعل یا عملکرد (شعبانی، ۱۳) و مصرف نیرو و انرژی (مطهری، ۴۱۵) است. این مطلب را دقت بعضی از مولفان (راغب، ۳۴۸) که با تکیه بر نیت عامل بین عمل و فعل و صنَع (همو، ۲۶۸-۳۸۲) رابطه عام و خاص برقرار کرده‌اند، وضوح بیشتری می‌بخشد. غایت این عمل در ابتدا جلب منفعت و احتراز از خطر و دفع ضرر است (شاله، ۳۰) و این یعنی اثرپذیری عملکرد انسان از عوامل متعدد از قبیل انگیزش، گرایش، مقتضیات و موقعیت مختلف محیط (شعبانی، ۱۴) و در عین حال برقراری نوعی رابطه تنگاتنگ بین عمل، عامل و نیت عامل؛ رابطه‌ای که به ما اجازه می‌دهد تا حالات و صفات انسانی را (راغب، ۱۳۷-۱۳۸، ۵۲۵) از قبیل حسد، عجب، بخل و... در زمره اعمال لحاظ کنیم، زیرا - چنانکه گفته شد - همواره کار انسان تحت تأثیر یک کشش و نیرو انجام می‌شود (مطهری، ۳۴۸) به علاوه که در تعریف اصطلاحی فعل (شرتونی، ۱۰) نیز از کلمات حالت، کیفیت، صفت و چگونگی در کنار حدث، امر، حادثه، واقعه، پیش آمد و رویداد استفاده شده است. یعنی فعل (شفایی، ۷۰) با سه عنصر حرکت، حالت و پروسه ارتباط ناگسستنی دارد و عبارت است از حرکتی که مدت کوتاهی در زمان معینی بدون تغییر ادامه داشته باشد. و این در حالی است که برخی نیز با به کار بردن اصطلاح (پروسه = جریان عمل) برای فعل کوشیده‌اند که سرحد حرکت و حالت را از میان بردارند (و نیز نک: شاله، ۱۷۹؛ مطهری، ۱۶۱؛ بحرانی، ۶۰۹/۱؛ شعبانی، ۱۳؛ مکارم، ۳۴۲/۲؛ راغب، ۳۴۸).

ب) پی آمد و بازتاب عمل (reflex, reaction) همان نتیجه، انعکاس، واکنش، اثر عمل و در یک کلام عکس العمل است. ضمن اینکه مقصود ما بیشتر متوجه نتایج قهری و

طبیعی اعمال یعنی چیزهایی است که خود به خود بار می‌آید نه لوازم آن و آخرین نکته اینکه عبارت «در زندگانی» نشان می‌دهد که توجه ما در این مقاله به پی‌آمدهای این جهانی و دنیوی اعمال معطوف است نه آن جهانی و اخروی.

۱-۲- بررسی عناصر تشکیل دهنده این قانون به صورت مرتبط

جدای از انسانهای عامی و سطحی‌نگر که معتقدند فکر آدمی از درک روابط بین اعمال و پی‌آمد آنها عاجز است، برای هر انسانی اندیشمند عملاً و به صورت تجربی این نظریه به اثبات رسیده است که هر عملی، پی‌آمد و عکس‌العملی دارد. ولی آیا برای صدور حکمی کلی همین تجربه شخصی کافی است؟ مسلماً خیر، از این رو لازم است این تجربه‌ها مکرر و متعدد شود. دستیابی به این تجربه‌ها به طور معمول از دو راه بررسی‌های میدانی و کتابخانه‌ای میسر است که روش دوم اگر بستری مناسب بیابد، قادر خواهد بود مراحل گذر این نظریه را به قانون تأمین سازد.

۱-۳- قرآن بستری مناسب برای این نظریه

گرچه می‌توان به طور پراکنده در ادبیات و تاریخ به صورتهای کلی و مصداقی در این زمینه به اشعار و مضامینی دست یافت، اما برای یک فرد مسلمان جستجو و تحقیق در قرآن - به دلیل ویژگیهای منحصر به فرد آن - از مزیتی برتر برخوردار است.

۱-۴- لزوم تأمین مقدمات و ذکر مراحل بررسی این نظریه در قرآن

بررسی این نظریه در قرآن مستلزم تأمین مقدمات ذیل و گذر از این مراحل است:
الف - استقصا و تقسیم‌بندی اعمال، ب - توضیح دست‌کم بخشی از روابط ثابت بین اعمال و پی‌آمد آنها، ج - تبیین تأثیر آگاهی از این قانون در فرد و جامعه.

۱-۴-۱- آمارگیری و تقسیم‌بندی اعمال در قرآن

در قرآن حدود ۱۰۸۶ بار از عمل و عکس‌العمل به صورتهای گوناگون سخن به میان آمده است^۱ که با ادغام موارد مشابه می‌توان به ۲۰۰ عنوان متمایز دست یافت. تقسیم

۱. نک: طرح پژوهشی شماره ۳۳۲/۱/۲۸۶ با عنوان «پی‌آمد اعمال در زندگانی با الهام از قرآن» مصوبه مورخه ۷۷/۱۱/۳، مجری طرح: محمد حسین برومند.

بندی اولیه اعمال به صالح (مثبت و نیک) و طالح (منفی و بد) این عناوین را به صورت‌های ذیل مجزا می‌کند:

الف - ۷۸ عنوان برای اعمال صالح از قبیل تقوا، صبر، وفا، شکر و...

ب - ۱۲۲ مورد اعمال طالح از قبیل کفر، کتمان، تحریف، عجب و...

تقسیم‌بندی ثانویه اعمال با توجه به ابعاد فردی و اجتماعی، سازماندهی دقیق‌تر آنها را بدین صورت مشخص می‌سازد: اول - اعمال صالح فردی و اجتماعی؛ دوم - اعمال طالح فردی و اجتماعی.

۱-۴-۲- توضیح روابط ثابت میان اعمال و پی آمدها و تمهید استدلال استقرایی^۱

این مبحث که در واقع شالوده مقاله نیز هست اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا نمایانگر مراحل شکل‌گیری یک قانون است. در اینجا نشان داده می‌شود که تجربه‌های شخصی افراد چگونه با کلام الهی هماهنگ شده، مراحل تبدیل نظریه به قانون را طی می‌کند. به عبارت دیگر، در همین بخش است که ذهن با اتکاء به آیات قرآنی و با مطالعه و تفحص در جزئیات اعمال فردی و اجتماعی موجود در آن و پی آمد آنها، قانونی کلی را استنباط می‌کند و با استنطاق از قرآن به مدد کاوش در آیات به رابطه ثابت بین اعمال و پی آمد آنها دست یافته، این قانون را با استدلال استقرایی مبرهن می‌سازد.

توضیح این روابط ثابت، از یک طرف با توجه به آمار چشمگیر عرضه شده در قبل که فقط در مورد اعمال صالح و طالح فردی و اجتماعی حدود ۱۰۸۶ مورد را در بر می‌گرفت و از طرف دیگر با توجه به پی آمدهای فردی و اجتماعی، محتاج نظم و سازماندهی است. با مراجعه به قرآن ملاحظه می‌شود که آیات قرآنی در این زمینه به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف - آیاتی که به صورت صریح و روشن به اصل مذکور اذعان نموده، صحت این نظریه را تأیید می‌کند، ب - آیاتی که گرچه این قانون در آنها به صورت مستقیم و صریح عرضه نشده، اما به صورت موضوعی و بررسی همه جانبه می‌توان صحت آن را به اثبات رساند.

۱. که در اصل طرح پژوهشی مبنای کار، استقرای تام بوده و کلیه اعمال و پی آمدها جداگانه مورد بررسی واقع شده و سپس حکم کلی صادر شده است. اما در این مقاله فقط به ذکر بخشی از آنها بسنده می‌شود.

با توجه به مطالب پیش گفته، به بررسی اعمال صالح و طالح و پی‌آمدهای فردی و اجتماعی آنها پرداخته می‌شود اما قبل از ورود به بحث ذکر چند نکته ضروری می‌نماید:

۱- در این بررسی از میان ۷۸ عنوان موجود برای اعمال صالح و پی‌آمد آنها، فقط به موارد محدودی اشاره می‌شود.

۲- در هر مورد ابتدا به ذکر عمل و بعد از علامت « ← » به ذکر عکس‌العمل یا عکس‌العملها پرداخته می‌شود.

۳- منظور از عکس‌العمل چیزی است از قبیل پی‌آمدها، نتایج، آثار و عوارضی که پس از عمل رخ می‌دهد و قاعدتاً با آن نیز رابطه مستقیمی دارد هر چند که درک مستقیم یا غیرمستقیم بودن آن، مطلق و یکسان نبوده برای افراد گوناگون، نسبی و متفاوت است.

۴- گرچه در فرضیه ابتدایی به نظر می‌رسید که در برابر هر عمل، باید یک عکس‌العمل مشخص و متمایز وجود داشته باشد اما در عمل برای بعضی اعمال گاه به چند عکس‌العمل اشاره شده که البته خود حاصل ادغام موارد قابل ترکیب است و گرنه به طور معمول عکس‌العمل‌های به دست آمده بیشتر از موارد مذکور است.

۴- چنانکه گفته شد در اصل طرح، به تمامی عکس‌العمل‌ها و کلیه جزئیات اشاره شده و نتایج حاصله مبتنی بر استقرای تام است. اما در این مقاله به ذکر منتخبی از آن بسنده شده است.

۵- تبیین چگونگی این پیوند و پی‌آمد آفرینی و تعلیل قانون به دلیل گستردگی مبحث و عدم تصریح قرآنی و لزوم استنباط شخصی که در نهایت محل نزاع خواهد بود، در این مقاله به طور مفصل میسر نیست اما جهت اطلاع و به طور مختصر و در صورت لزوم در پاورقی بدان اشاره‌ای شده است.

۲- بررسی پی‌آمد اعمال در دسته اول آیات

۱-۲- بررسی پی‌آمد اعمال صالح

۱-۱-۲- بررسی پی‌آمد فردی

۱- ازدواج ← رهایی از فقر و تنگدستی

گرچه وجود جنس های مخالف در اجتماع و لزوم ازدواج از عمومی ترین و در عین حال بحرانی ترین مسائل زندگانی است اما به خاطر عوامل گوناگون، این فوریت به فراموشی سپرده می شود یا زمان آن به تأخیر می افتد و در این میان عامل فقر، ظهور و نمود بیشتری دارد. چه بسیار جوانانی که صرفاً به خاطر تصوری وحشتناک از زندگی فقیرانه کنونی و آینده خود از ازدواج استنکاف ورزیده، به تورم معضلات فردی و اجتماعی می افزایند، در حالی که بر خلاف تصور غلط رایج، پی آمد ازدواج، رهایی از فقر و تنگدستی است و این به ظاهر درد، خود درمان است و از جمله اعمالی است که ترس انجام آن سخت تر از اقدام به آن است (سیدرضی، ق ۱۷۵). زیرا خداوند به ازدواج امر فرموده و خود نیز تضمین نموده است که اگر فقیر باشند، آنان را از فضل خویش ثروتمند و غنی خواهد ساخت (نور / ۳۲) البته رزق هر کس تابع صلاحیت اوست؛ به شرطی که مشیت خداوند هم تعلق گرفته باشد (همانجا).

این تضمین الهی را ذکر صفت «واسع» در آخر همان آیه مؤکد می سازد (همانجا). یعنی گستره قدرت، علم، رحمت و فضل پروردگاری متناهی و فراگیر است؛ پس صد البته به وعده وفا کرده، توان انجام تعهدات خویش را دارد؛ به علاوه، ذکر واژه «علیم» به دنبال واسع (نور / ۳۲)، بیانگر علم الهی به مکنونات قلبی بشر در مورد شهوت جنسی و قدرت تخریبی آن است. به این معنا که خداوند از خطورات قلبی و ذهنی انسانها در زمینه مسائل جنسی کاملاً آگاه است و از این رو با توصیه به ازدواج از طریقی سالم و حلال و در عین حال متعادل که نه از یک طرف زورگویی و تندروی شده و وجود این غریزه و لزوم اطفای آن به فراموشی سپرده شود و نه از طرف دیگر بی بند و باری اجتماعی و فساد جایز باشد، راه را برای مؤمنین باز می کند (بلاغی، ۵۶۸/۲).

در همین باره امام صادق (ع) به نقل از رسول (ص) می فرمایند: هر کس از ازدواج به دلیل ترس از تنگدستی روی گردان شود، به خداوند تعالی گمان بد برده است. زیرا خداوند فرموده است اگر فقیر باشند آنها را از فضل خویش بهره مند خواهد ساخت (فیض، ۱۶۷/۲) و نیز نقل شده که مردی نزد رسول (ص) آمده اظهار فقر و تنگدستی

نمود. حضرت به او فرمودند: ازدواج کن و با انجام این کار او توانگر و دارا شد (همو) ^۱.

۲- توکل ← کسب خیر نهایی

توکل یعنی اعتماد^۲ (راغب، ۵۳۱) و وکیل خواهی و سپردن کار به دست متخصص؛ متوکل کسی است که در مشکلات به دلیل عدم آگاهی و توانایی در همه زمینه‌ها به راهنمایی دلسوز و مهربان به عنوان وکیل مراجعه کرده، بدین وسیله خود را به خواسته مشروعش می‌رساند. شاید تصویری محسوس از متوکل حقیقی، نابینایی گرفتار در جنگلی مخوف باشد که برای نجات، خود را به تمامه به راهنمایی بصیر و مجرب سپرده است. توکل بر خدا به معنی فنای اختیار در راستای تحقق اختیار الهی و اعتماد بر او به عنوان نماینده‌ای تام‌الاختیار و سپردن بی‌چون و چرای کارها به دستانی تواناست و هم چنان که در وکالت‌های دنیوی، توجه وکیل دلسوز و امین، معطوف به بر آوردن حاجات موکل است و در این راه از انجام هیچ کاری مضایقه نمی‌کند، پی آمد توکل بر خدا نیز وصول حتمی به هدف، کفایت (شُبْر، ۵۶/۶)، و به تعبیر امام صادق (ع) بر آورده شدن حاجات مؤمن (کلینی ۱۰۵/۳، ۱۰۷) و در یک کلام کسب خیر نهایی است.

از این رو متوکل هیچ‌گاه نباید از فراز و نشیب زندگی، بیهوده خوشحال یا غمگین شده (توبه / ۵۱)، به متاع محدود و فانی دنیوی بسنده کند (شوری / ۳۶) بلکه همواره باید در جستجوی بهتر و باقی‌تر باشد تا بدین وسیله از تیررس و سوسه‌های شیطانی نیز خارج بماند (نحل / ۹۹). متوکل مؤمن مجاهد چون می‌داند یاری پروردگار حتمی است (انفال / ۶۱؛ آل عمران / ۱۶۰)، وقتی می‌شنود که لشگری انبوه به جنگ علیه او بسیج شده‌اند، نه تنها نمی‌ترسد، که بر ایمانش افزوده، رشته‌های توکلش محکم‌تر می‌شود و پی آمد این امر، برخورداری از نعمت و فضل الهی است بدون اینکه با ضرری مواجه شده باشد؛ ضمن اینکه از رضوان الهی نیز تبعیت کرده است (آل عمران / ۱۷۳، ۱۷۴). در مقابل، مسلماً پی آمد عدم توکل بر پروردگار، محرومیت حتمی از وصول به حاجات

۱. و نیز برای اطلاع بیشتر نک: ابوالفتوح رازی، ۱۱۷/۱۴؛ شریف لاهیجی ۲۸۲/۳؛ قمی مشهدی

۲۸۶/۹؛ حائری ۳۴۱/۷؛ شاه عبدالعظیمی ۲۳۹/۹؛ راوندی ۱۰۴۴/۳.

۲. و نک: ابن منظور ۷۳۴/۱۱؛ طریحی ۴۹۵/۵.

است زیرا خداوند قسم خورده است (کلینی ۱۰۷/۳)، یعنی قانون و ضابطه قرار داده است که این امید بی جا را به ناامیدی مبدل کند.

۳- شکر ← رشد توانایی‌های روحی

شکر^۱ یعنی یادآوری و اظهار نعمت (راغب، ۲۶۵) که با شناخت قلبی نعمت و ثناء بر منعم و کاربرد آن در راه مورد نظر پروردگار محقق می‌شود. فردی که به اندازه طبیعی به این کار مبادرت ورزد، شاکر نام می‌گیرد. اما شکور کسی است که در حدی بسیار بالا از این صفت برخوردار است.

پی آمد شکرگزاری، افزایش و رشد (ابراهیم / ۷) تمامی جنبه‌های وجودی است زیرا تنها بدین وسیله تعالی روحی و رشد توانایی‌های نفسانی حاصل می‌شود. ضمن اینکه، این فراگیری تمامی ابعاد با افزایش نعمت به عنوان یک مصداق نیز منافات نخواهد داشت (شبر، ۱۸۶/۳).

تحقق این ویژگی در انسانهای شاکر یعنی در اختیار داشتن توانایی‌های روحی فوق العاده موجب شده است که خداوند رسولان الهی را که وظیفه خطیری بر عهده دارند، از میان شاکران انتخاب نماید. این ارتباط بین شکرگزاری و رشد توانایی‌ها و عامل گزینش برای انجام رسالت را به طور وضوح در این آیات می‌توان دید: «آیا خداوند بهتر از همه نمی‌داند که چه کسانی شاکر هستند» (انعام / ۵۳)، «آیا خداوند بهتر از همه نمی‌داند که رسالتش را در کجا قرار دهد» (انعام / ۱۲۴). چنان که تصریح به تعداد اندک بندگان شکور (سبأ / ۱۳) به طور کلی و نام بردن از ابراهیم (ع) (نحل / ۱۲۰) و نوح (ع) (اسراء / ۳) از میان انبیاء با عنوان شاکر و شکور نیز در حد خود به برقراری این ارتباط کمک می‌کند.

درست بر خلاف متکبر که همواره از آیات الهی (اعراف / ۱۴۶) و درک آن دور می‌شود، شاکر همواره متوجه آیات الهی شده (اعراف / ۵۷)، در هر بار توجه بر علم لدنی‌اش افزوده گردیده، از ظلمت جهل به سوی نور دانش کوچ می‌کند (ابراهیم / ۵، شوری / ۳۴). لقمان مصداقی روشن از این شکرگزاری است (لقمان / ۱۲)؛ از این رواز

۱. و نیز نک: خلیل ۲۹۲/۵؛ ابن منظور ۴۲۳/۴.

او با عنوان سمبل حکمت الهی یاد می شود (نک: طباطبایی، ۲۲/۱۲؛ فیض ۸۸۲/۱؛ کلاتتری، ۳۸/۴، ۲۰/۱۲؛ کاشفی، ۳۸۶/۲؛ عاملی ۲۶۵/۵؛ سبزواری ۱۴۱/۴؛ طوسی، امالی ۳۰۲؛ اربلی، ۱۵۶/۲؛ نوری، ۳۵۱/۱۱).

۴- صبر ← تبدیل نعمت به نعمت

صبر^۱، حبس نفس به مقتضای عقل و شرع است (راغب، ۲۷۳) و صبور کسی است که نفس ضعیف خود را با تمرین و مشقت بسیار به تحمل مشکلات مأنوس می سازد. پی آمد صبر تبدیل نعمت به نعمت است که به دو صورت تحقق می یابد:

الف - صبر و توانمندی تبدیل مصیبت جنگ به نعمت پیروزی: پی آمد صبر و پایداری در جنگ، پیروزی و در دست گرفتن زمام امور است و صبوری انبیا (انعام / ۳۴) و همراهان ایشان (آل عمران / ۱۴۵) همواره موجب پیروزی آنان شده است (شُبر ۳۳۹/۱). ظفر به عنوان پی آمد این عمل در جنگ آن چنان قطعی و مسلم است که خداوند ضمن اشاره به شدت و ضعف ایمان، پی آمد صبر هر نفر در قبال ده یا دو تن از مشرکین را پیروزی حتمی قرار داده است (انفال / ۶۵).

ب - صبر و تبدیل جهل به علم: پی آمد صبر بر انجام طاعات و پرهیز از محرمات، تبدیل جهل به علم (کلینی، ۱۴۰/۳) و برخورداری از فهم و درک ویژه و خروج از ظلمت جهل است (ابراهیم / ۵؛ قصص / ۸۰؛ لقمان / ۳۱؛ سبأ / ۱۹؛ شوری / ۳۳).

۵- بهترین بر خورد ← خنثی کردن افسون ابلیس

با کسی که تحت تأثیر وسوسه های نفسانی و شیطانی بدی می کند چه باید کرد؟ توصیه ناسنجیده و ابتدایی و متأسفانه پرکار برد، آن است که با بدی مقابله به مثل شود، این امر منجر به حادث تر شدن روابط و ایجاد و تداوم دشمنی می شود. اما قرآن توصیه ای دیگر دارد. در این توصیه قرآنی نه تنها در قبال بدی باید خوبی کرد بلکه باید نیکوترین و بهترین برخورد را نیز اعمال نمود. بدیهی است پی آمد این عمل، تبدیل روابط خصمانه به ارتباطی بسیار صمیمی و دوستانه است (فصلت / ۳۴).

نکته حائز اهمیت در این آیه اشاره به ملاک و معیار تشخیص در این زمینه یعنی

حصول نتیجه است و این بدین معناست که تنها در صورت برقراری روابط دوستانه و صمیمی بین دو طرف متخاصم می‌توان مدعی انجام بهترین برخورد شد.

۶- عبادت ← ایمنی از وسوسه شیطان

عبادت یعنی بندگی و نهایت تذلل (راغب، ۳۱۹؛ ابن منظور، ۲۷۰/۳؛ طریحی، ۹۲/۳) و عابد یعنی عبادت کننده و عبد به معنی مملوک است. کلمه عبد در آیات قرآن دو کاربرد دارد:

الف - کاربرد اعم به معنی مخلوق، نیازمند و تحت فرمان خدا بودن؛ خواه مخلوق مورد نظر به این بندگی توجه و اعتقاد داشته و آن را پذیرفته باشد (مریم/۹۳) و خواه به آن توجه نداشته و آن را نپذیرفته باشد.

ب - کاربرد اخص به معنی کسی که به مملوکیت و بندگی خود توجه و عنایت داشته و آن را پذیرفته، در صدد انجام وظایف بندگی است (فجر/۳۰).

پی آمد عبادت به معنی دوم، ایمنی از سلطه شیطان^۱ و رشد دانایی و امکان رؤیت آیات الهی است (حجر/۴۲؛ اسراء/۶۵؛ ص/۸۳)، چنان که در داستان موسی (ع) (کهف/۸۲-۶۰) از آن بنده ارجمند الهی ابتدا با عنوان «بنده‌ای از بندگان ما» سپس با تعبیر «تعلیم شده از جانب ما» یاد شده است و نیز از کثرت عبادت پیامبر (ص) به عنوان عاملی برای دریافت آیات روشن الهی (حدید/۹) و رؤیت آنها یاد شده است که در نهایت منجر به یقین می‌شود که از دید امام صادق (ع) بالاترین درجه ایمان است (کلینی، ۸۶/۳).

۷- تقوا ← رحمت و برکت

راغب (ص ۵۳۰) ابتدا در عرضه معنی لغوی «وقایه» به «نگهداری شیء از چیزی که به آن ضرر برساند» اشاره کرده، سپس در توضیح معنی تحقیقی تقوی از «پناه دادن، حمایت و حصار کردن نفس از آن چه می‌ترسد» یاد کرده، در پایان با اشاره به معنی مرسوم شرعی می‌گوید: تقوی، حفاظت نفس از گناه است که با ترک آنچه نهی شده، محقق می‌گردد و با ترک بعضی از مباحات به اتمام می‌رسد (همانجا). خلاصه بررسی و

۱. برای اطلاع بیشتر نک: خسروانی، ۱۰۲/۵؛ علوی، ۱۳۱/۲؛ فضل‌الله، ۱۹۷/۱۳؛ دیلمی، اعلام‌الدین،

تحلیل نوشتار او در این زمینه روشن می‌کند که نفسی وجود دارد که محتاج حفاظت و صیانت است زیرا دچار زیان شده، آسیب می‌بیند. پس صیانت نفس همان تقویت است. اما نفس چگونه باید حفظ شود و راههای نگهداری و صیانت آن کدام است؟ پاسخ به این سؤال محتاج استنباطی قرآنی است؛ بدین صورت که نفس به عنوان خلقتی دیگر (مؤمنون / ۱۴) چون همواره انسان را وادار به انجام بديها می‌کند (یوسف / ۵۳)، از همین ناحیه دچار آسیب شده، زیان می‌بیند؛ لذا باید از تمایل و رغبت نهی شود (نازعات / ۴۰) (برای اطلاع بیشتر نک: کلانتری، ۱۴ / ۴۱۰، ۱۹ / ۲۵۰، ۵ / ۲۸۸، ۲۸۹، ۱۴ / ۱۶۹، ۱۷۳).

پی‌آمد تقوا، برخورداری از رحمت الهی است (اعراف / ۱۳). تقوای عاشقانه، فرد را به دریای رحمت بی‌منتهای الهی یعنی ایستگاه پایانی می‌رساند. این رحمت البته چیزی نیست جز توفیق الهی در دوستی محمد (ص) و آل او و دشمنی بادشمنان ایشان. زیرا آنها اهل رحمت پروردگار در دنیا و آخرت (فتونی، ۱۶۵) و مظهر رحمانیت و رحیمیت او می‌باشند. چنان که رسول (ص) خود مظهر رحمت برای جهانیان (انبیاء / ۱۰۷) و ابراهیم (ع) نیز برخوردار از رحمت اختصاصی اهل بیت (ع) (هود / ۷۳) می‌باشد. از مصادیق این رحمت، برکت در روزی و بهره‌وری از نعمت خداداد^۱ (طلاق / ۲ و ۳) و نیز فهم حقیقی کتابهای الهی از جمله قرآن (بقره / ۲)، انجیل (مائده / ۴۶) و تورات (انبیاء / ۴۷) است و متقی از درک و فهمی ویژه (اعراف / ۱۶۹؛ انعام / ۳۳) برخوردار بوده، بدین وسیله از دیگران متمایز می‌گردد (انفال / ۲۹).

۸- ذکر ← آرامش و بصیرت

معنی اول ذکر، قدرت و توانایی نفس در نگهداری معرفت اکتسابی و معنی دوم آن حضور چیزی در قلب یا گفتار است (راغب، ۱۷۹؛ خلیل، ۵ / ۴۳۶؛ ابن منظور، ۴ / ۴۰۸). پی‌آمد این عمل عبارت است از به‌خاطر آوردن متقابل پروردگار^۲ (بقره / ۱۵۲) و این یعنی حصول اطمینان و آرامش قلبی^۳ (رعد / ۲۸).

در این مورد توجه به این نکته ضروری است که اگر چه در آیات دیگر قرآن حصول

۱. نک: عیاشی، ۳۴۰؛ جرجانی، ۹۸ / ۱۰. ۲. عیاشی، ۶۷ / ۱؛ صدوق، امالی، ۵۷۹.

۳. نک: قمی، ۳۶۵ / ۱؛ شاه عبدالعظیمی، ۳۸۱ / ۶؛ کرمی، ۷۰ / ۵؛ نوری، ۱۴۹ / ۱۱.

اطمینان قلبی به موارد دیگری از قبیل زندگانی دنیا (یونس/۷) و خیر دنیوی (حج/۱۱) نسبت داده شده، اما از آن جا که جار و مجرور بر عامل مقدم شده (فیض، ۸۷۴/۱) حصول اطمینان قلبی تنها به ذکر خدا منحصر گشته است؛ از این رو اطمینانهای حاصل از موارد دیگر کاذب بوده، تنها ساخته ذهن و تصور فرد است و درست به همین دلیل نیز از جانب خداوند فقط همین یک مورد تأیید شده، موارد دیگر در زمره خسران مبین قرار گرفته (حج/۱۱) و عاقبت آن آتش جهنم عنوان شده است (یونس/۷).

به یاد آوردن خداوند هنگام مواجهه با وسوسه‌های شیطان که همان بینش و درون بینی یا در زبان روایات، فراست (صدوق، ۴۷۹/۲) است، فرد را به خود آورده، او را از تأثیر وسوسه‌های شیطانی مصون می‌دارد. هم چنین وعده تخلف ناپذیر پروردگار، پیروزی مؤمنانی است که در مواجهه با دشمنان نه تنها ترسیده بلکه ثبات قدم بیشتری یافته خدا را بیشتر بیاد آورند (کلانتری، ۳۹۰/۱۱، ۳۹۱).

۹ - نماز ← نهی از فحشا و منکر

هر چند در مورد ریشه لغوی صلاة (راغب، ۲۸۵) و انتساب آن به خدا، ملائکه و مؤمنین (فتونی، ۲۱۷) و صورتهای کاربردی آن در قرآن و اهمیت آن، مطالب زیادی عنوان شده است، اما مقصود ما در این مختصر همین عبادت معهود پنجگانه است.

پی آمد این عمل، نهی از فحشاء و منکر^۱ (عنکبوت/۴۵) و به تعبیر دیگر از بین رفتن بدیهاست^۲ (هود/۱۱۴). زیرا از آن به عنوان یکی از مصادیق بارز حسنه ذیل قانون کلی تأثیر ازاله‌ای حسنات بر سیئات یاد شده است (فیض، ۸۱۵/۱).

یکی از مصادیق از بین رفتن بدیها، نابودی حرص شدید و کم صبری است^۳ (معارج/۱۹). وجود این دو صفت در انسان، مولود خلقت اوست (همانجا) به طوری که همه انسانهای معمولی به هنگام برخورد با سختیها و مشکلات، بی تاب بوده، در زمان مواجهه با راحتی و نعمت خودخواه و بخیل می‌شوند. نماز انسان را از این خصایص زشت، پاک کرده، موجب برخورداری وی از هدایت و رحمت کتاب الهی

۱. نک: طبرسی، مجمع البیان، ۲۸۴/۴؛ کاشانی، ۱۶۳/۷؛ گنابادی، ۲۰۷/۳.

۲. نک: ثقفی، ۱۴۶/۱؛ مفید، امالی، ۶۷؛ راوندی، فقه القرآن، ۸۰/۱.

۳. نک: لاهیجی، ۵۷۹/۴؛ طیب، ۱۹۱/۳.

(نمل/۳؛ لقمان/۳) و فضل خداوند^۱ (نور/۳۷؛ فاطر/۳۰) می شود.

۲-۱-۲- بررسی پی آمد اجتماعی

۱- قصاص ← امنیت اجتماعی

قصاص یعنی تلافی و مقابله به مثل ولی دم با قاتل و رفتار کردن با قاتل به نحوی که با مقتول عمل کرده است (فیض، ۱/۱۶۲). پی آمد این عمل که در ظاهر به نابودی فرد می انجامد، در نهایت امنیت و حیات اجتماعی است (بقره/۱۷۹).

در همین باب، طباطبایی (۱/۴۳۳) گوید: «این آیه اشاره به فلسفه تشریح این حکم دارد ضمن اینکه پاسخی است به ایراد کسانی که عفو و دیه را به جهت بسط حس محبت و عاطفه در اجتماع برتر از قصاص می دانند. پس عفو کردن گرچه باعث تخفیف و رحمت است ولی مصالح عمومی اجتماعی فقط در سایه قصاص تأمین شده، چیزی جز آن نمی تواند ضامن حیات افراد جامعه باشد» و این حقیقتی است که هر انسان عاقل و فکوری آن را تصدیق می کند. جمله لعلکم تتقون (بقره ۲/۱۷۹) در حکم تعلیل برای تشریح قصاص است؛ یعنی باشد که به این وسیله از قتل پرهیزید (نیز نک: بحث علمی، همان، ۱/۴۳۴؛ مطهری، ۳۵۸).

۲-۲- بررسی پی آمد اعمال طالح

۳- بررسی پی آمد اعمال در دسته دوم آیات

از توضیح پیرامون این عناوین صرف نظر می شود و به علاقمندان توصیه می شود برای دستیابی به مطالب مهم و اساسی آن به اصل طرح مراجعه نمایند.
نکته: قبلاً و در ضمن عنوان «توضیح روابط میان اعمال و پی آمدها» گفته شد که گذر از مرحله نظریه به قانون در توضیح روابط ثابت بین اعمال و پی آمدها، نیازمند استدلال استقرایی است. اکنون این کار به انجام رسیده^۲ است.

۱. نک: نوری، ۳/۱۶۴.

۲. در این مقاله فقط به ذکر بعضی از مصادیق اکتفا شده است. علاقمندان می توانند به اصل طرح مراجعه کنند.

۴- تبیین تأثیر آگاهی از این قانون در جامعه و فرد

این قانون قرآنی هم اکنون اهداف ما را از فهم و دانش در این زمینه تأمین می‌کند یعنی: الف - ذهن را خرسند و کنجکاوی انسان را آرام می‌کند (شاله، ۱۲۰) زیرا به روابط ثابت بین اعمال و پی‌آمد آنها در قرآن آشنا شده است. ب - به بسط فعالیت‌های بعدی انسان کمک کرده، او را آماده می‌سازد تا با پیش‌بینی پی‌آمد اعمال خود و دیگران و با گوشزد کردن نتایج خوب یا بد عمل، آنها را به فعالیت صحیح و درست راهنمایی کرده، در تصحیح انگیزه‌ها سهمی بزرگ و نقشی مهم را ایفا کند.

کتابشناسی

- ابوالفتوح رازی، *روض الجنان و روح الجنان*، مشهد، ۱۳۷۴.
- اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمة فی معرفة الائمة*، تبریز، ۱۳۸۱ق.
- بحرانی، سید هاشم، *البرهان*، تهران، ۱۴۱۵ق.
- بروجردی، ابراهیم، *تفسیر جامع*، تهران، ۱۳۴۱.
- بلاغی، عبدالحجة، *حجة التفاسیر*، قم، ۱۳۴۵.
- ترابی، علی اکبر، *فلسفه علوم*، تهران، ۱۳۴۹.
- ثقفی، محمد، *تفسیر روان جاوید*، تهران، برهان، بی‌تا.
- جرجانی، ابوالمحاسن، *جلاء الاذهان*، تهران، ۱۳۳۷.
- حائری تهرانی، علی، *مقتنیات الدرر*، تهران، ۱۳۳۷.
- خزاعی، ابوالفتوح رازی، *روض الجنان*، مشهد، ۱۳۷۴.
- خسروانی، محمد، *تفسیر خسروی*، تهران، ۱۳۹۰ق.
- خوانساری، محمد، *منطق صوری*، تهران، ۱۳۶۲.
- داورپناه، رضا، *انوارالعرفان*، تهران، ۱۳۷۵.
- دیلمی، حسن بن محمد، *اعلام الدین فی صفات المؤمنین*، قم، ۱۴۰۸ق.
- راغب، حسین بن محمد، *المفردات*، تهران، ۱۴۰۴ق.
- راوندی، قطب الدین، *فقه القرآن*، قم، ۱۴۰۵ق.
- سبحانی، جعفر، *فرهنگ عقاید مذاهب اسلامی*، تهران، ۱۳۶۹.

- سبزواری نجفی، الجدید، بیروت، ۱۴۰۲ق.
- سید رضی، نهج البلاغه، قم، ۱۳۶۹.
- شاله، فلیسین، شناخت روش علوم، به کوشش مهدوی، تهران، ۱۳۲۳.
- شاه عبدالعظیمی، حسین، تفسیر اثنی عشری، تهران، ۱۳۶۳.
- شُبَّیر، عبدالله، تفسیر شبر، بیروت، ۱۴۱۲.
- شرتونی، رشید، مبادئ العربية، بیروت، بی تا.
- شعبانی، حسن، مهارتهای آموزشی، تهران، ۱۳۷۱.
- شفایی، احمد، مبانی علمی دستور زبان فارسی، بی جا، نوین، ۱۳۶۳.
- شیرازی، محمد، تقریب القرآن، بیروت، ۱۴۰۰ق.
- صدوق، محمد بن علی، الامالی، ۱۳۶۲.
- طباطبایی، محمد حسین، المیزان، تهران، ۱۳۷۹ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، قم، ۱۴۰۹.
- طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم، ۱۴۱۴ق.
- طیب، عبدالحسین، اطیب البیان، تهران، ۱۳۶۶.
- عاملی، علی بن حسین، الوجیز، قم، ۱۴۱۳.
- علوی حسینی، محمد حسین، کشف الحقایق، تهران، ۱۳۹۶.
- عیاشی، محمد، تفسیر عیاشی، تهران، مکتبه العلمیة الاسلامیة، بی تا.
- فرات، ابوالقاسم، تفسیر فرات، تهران، ۱۴۱۰ق.
- فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، بیروت، ۱۴۰۵ق.
- فیض، محسن، الصافی، تهران، ۱۳۵۶.
- قرشی، علی اکبر، احسن الحدیث، تهران، ۱۳۶۶.
- کاشانی، فتح الله، منهج الصادقین، تهران، ۱۳۶۶.
- کاشفی، حسین، مواهب علیه، تهران، ۱۳۱۷.
- کرمی، محمد، المنیر، قم، ۱۴۰۲.
- کلانتری، الیاس، دلیل المیزان، تهران، ۱۳۶۲.
- گنابادی، محمد، بیان السعادة فی مقامات العبادة، تهران، ۱۳۴۴.

- لاهیجی، شریف، تفسیر لاهیجی، تهران، ۱۳۶۳.
- مشهدی قمی، کنزالدقائق، تهران، ۱۳۶۶.
- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، ۱۳۷۴.
- مغنیه، محمدجواد، الکاشف، بیروت، ۱۹۸۱.
- مفید، محمد بن محمد، الامالی، قم، ۱۴۱۳ق.
- مکارم، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، ۱۳۶۶.
- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسایل، قم، ۱۴۰۷ق.